

قیمت: قبلاً حساب شده:

ادعای جاودانی، مجری سابق برنامه های ورزشی:
یک باشگاه ۶ میلیارد تومان
پول جادوگر داده است



کارتون: محمد علی رحیمی

کپی/ک ۸

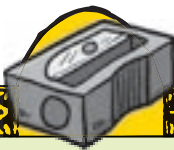
نظر سنجی های
آب دوغ خبیری

کپی/ک ۴

معرفی انواع قهرها
باز کردن نمونه

کپی/ک ۲

وقتی خلّمان
تنگ مِره



وقتی خُلقمان تنگ مِره

این روزها که حسابی بازار قهر داغه، ما هم از همین تریبون اعلام می‌کنیم به دلیل اینکه خواننده های پلخمون زنگ نمی‌زنن! به روابط عمومی روزنامه و از ما تعریف نمی‌کنن... خب نکنن! والا. تعریف از خود نباشه، ما طنزنویسا این جور درجه سعه صدرمون در حد اتوبان صدر بالاست. حالا من خودم تا حالا نرفتم، ولی می‌گن پهنای خوبی داره. شما هرچی خواستین بگین. مثلاً بیاین بگین جمع کنین این پلخمون خُنگتون رو. اسم خودتون رو گذاشتین طنزنویس؟... هوووی! حالا بسه دیگه. در همین حدود قضیه انتقاد رو جمع کنین و چیز بدتر نگین. اگه ادامه بدین، اون سعه صدر و اتوبان صدر که گفتیم، به وقت می‌بینین سعه طریقه می‌شه و در حد همین و ر و د ی طریقه خود مون «خُلقمان تنگ مِره» و دیگه ما میکروفن که نداریم، ولی قلممون رو به سمتتون پرت... نمی‌کنیم! البته چون با صفحه‌کلید تایپ می‌کنیم و قلمی هم نداریم. صفحه‌کلید هم که با این نرخ تورم نمی‌صرفه. خلاصه یک لیوان پلاستیکی ای، موس‌پدی، چیزی سمتتون پرت می‌کنیم!

صحبت تورم شد. این برنامه‌های انتخاباتی هم بعضیاشون داره بامزه می‌شه. نمی‌دونم «همه تحریم‌ها در دی ۱۳۹۴ با مِره لغو می‌شود» یا «آمریکا نمی‌تواند از برجام خارج شود» رو با همین گوشم شنیده بودم یا نه. کار نداریم، ولی حالا کار به شمارش تعداد تحریم‌ها رسیده و اینکه توی هر دولت چندتا تحریم شدیم! مگه تفاضل گل می‌خوان حساب کنن؟ یا بعضیاشون برای رأی آوردن ما رو از لولو خورخوره ترامپ می‌ترسونن. اون که دیگه حناش رنگی نداره. داداش، ما خودمون توی لوله بخاری بزرگ شدیم، سیاهمون نکنین. بیاین خیلی قشنگ بشینین، مهربون و آرا! بگین برنامه هاتون چیه. ما هم سبک سنگین می‌کنیم و بالاخره رأی رو به اونی می‌دیم که شعاراش کیک نباشه و واقعی بخواد کار کنه.



صفحه ۲
تیر ۱۴۰۳
شماره ۱۰۹

مشه ایجور بره؟!

مهدی محمدی



قاشق‌کاری نمک‌ان را در می‌آورن

خرداد ۱۴۰۳: ژاپنی‌ها برای بهبود سلامتی و کاهش مصرف نمک، یک قاشق الکتریکی با طعم نمک ساختند.

مرداد ۱۴۰۳: یک گروه از بازرگانان ایرانی با ژاپنی‌ها مذاکره کردند و قرار شد یک مدل قاشق هم درست کنند که هنگام خوردن آب دوغ خیار، آدم طعم ششلیک را حس کند.

شهریور ۱۴۰۳: یک شرکت دانش بنیان مشهدی در حال آزمایش طرحی است که براساس آن قاشقی تولید می‌شود که آدم حتی اگر اشکنه پیاز بخورد، طعم شله پوگوش را حس کند.

مهر ۱۴۰۳: اعلام شد که این ماه به جای بسته معیشتی، یک دست قاشق به سرپرست خانوار داده می‌شود که دارای طعم همان مواد غذایی بسته معیشتی است. یعنی قاشق با طعم برنج، ماکارونی، شکر و دیگر طعم‌ها به آنان داده می‌شود.

آبان ۱۴۰۳: مسئولان اعلام کردند سرپرستان خانوارهایی که از شمول دریافت یارانه معیشتی خارج شده‌اند، باید هر چه زودتر قاشق‌های طعم دارشان را تحویل دهند، وگرنه طعم زندگی را برای آن‌ها تلخ می‌کنند.

آذر ۱۴۰۳: در جلسه امروز هیئت دولت مقرر شد به جای تنظیم بازار، یک قاشق چای خوری اختراع شود که هرکس با آن یک قاشق غذا خورد، انگار دو بشقاب و نصفی غذا خورده است. سخنگوی هیئت دولت نیز گفت: مردم سعی کنند با این قاشق چای خوری جدید فقط یک قاشق غذا بخورند. چون اگر دو قاشق بخورند، به علت پر خوری دل درد می‌گیرند!

کره شمالی یا یک کره زمین دیگر؟

سال ۱۳۹۳: تلویزیون کره شمالی با برخی صحنه‌های ساختگی در اخبار خود اعلام کرد که این کشور قهرمان جام جهانی شده است، در حالی که اصلاً این کشور به جام جهانی صعود نکرده بود.

خرداد ۱۴۰۳: رئیس جمهور روسیه در سفر به کره شمالی، پشت فرمان خودرو لوکس آئوروس سنت اهدایی خود به کره شمالی نشست و همراه با کیم جونگ اون رانندگی کرد.

مرداد ۱۴۰۳: تلویزیون کره شمالی اعلام کرد کیم جونگ اون به روسیه رفته و یک اتومبیل لوکس هم برای پوتین برده است. کیم جونگ اون حتی به پوتین اجازه داد که بوق بزند.

شهریور ۱۴۰۳: تلویزیون کره شمالی اعلام کرد که پوتین در مصاحبه‌اش گفته است کاش کیم جونگ اون اجازه می‌داد به جای یک بوق، دوتا بوق بزنم. پوتین همچنین از اینکه کره شمالی بزرگ‌ترین کشور جهان است، ناراحت بود و گفت کاش مساحت کشور ما هم اندازه کره شمالی بود.

مهر ۱۴۰۳: تلویزیون کره شمالی اعلام کرد که روس‌ها از روی ماشین‌های کیم جونگ اون به روسیه داده است، کپی برداری کرده‌اند و آن‌ها نیز چرخ‌های ماشین‌های تولید کشور خودشان را دایره‌ای شکل درست می‌کنند. به گفته تلویزیون کره شمالی، روس‌ها تا الان فکر می‌کرده‌اند که چرخ‌های ماشین‌ها دوزنقه‌ای لوزی است، اما پس از اهدای خودرو کره شمالی متوجه گردالوبودن چرخ ماشین‌ها شده‌اند.

لُخ تو رُخ

منصوره احمدی

در حاشیه حضور اعضای هیئت دولت در جمع خبرنگاران

جلی، بیش از ۹۲ درصد مردم از مناظرات رضایت دارند.



۲ مخلصیم! تازه اون ۸ درصد باقی‌مونده رو هم با قطع میکروفن مهمونای مناظره وسط برنامه و این جور حرکتای مهیج داریم ردیفش می‌کنیم.

۱ ایول! جدی ۹۲ درصد رضایت عمومی داشتی از مناظره‌ها جلی جان؟ عجب آماری! کارت درسته‌ها!

نشست خبری مشترک اعضای هیئت دولت



امروز سرعت اینترنت در ارتباطات ثابت و سیار بیش از ۶۰ درصد افزایش یافته است.

۶۰ درصد عیسی؟! ۶۰ درصد؟ توی چشمای من نیگا کن و یگو ۶۰ درصد پسرا!

در حاشیه جلسه اعضای هیئت دولت

ضرغامی: هنوز تصمیم نگرفته‌ام به چه کسی رأی دهم. خانواده‌ام می‌خواهند بین سه چهار تا نامزد قرعه‌کشی کنند. البته قرعه‌کشی بد نیست.



۱ جناب وزیر ممکنه به سؤالم پاسخ بدین؟

۲ آقای وزیر، آیا وزارتخانه شما در قبال...

۳ نه دیگه، نشد. قرعه می‌ندازیم. به اسم هر خبرنگاری در اومد سؤال همون رو جواب می‌دم. دیدین؟ قرعه‌کشی همیشه جوابه.

در حاشیه مراسم عید قربان



۱ عید قربان کجا بود؟ عید نوروزه بابا! تو بیا کاری ت ندارم.

۲ به دیگه ول کن این سم بی‌صاحب رو... من هنوز قصد ادامه تحصیل دارم دست از سر ما بردارین... ای خدا!!!!

لاله‌های فوتبالیست

من نه آن رندم که ترک شاهد و ساغر کنم
محتسب داند که من این کارها کمتر کنم
لاله ساغرگیر و نرگس مست و بر ما نام فسق
داوری دارم بسی یارب، که را داور کنم

جناب حافظ بالحنی تند به داورا می‌گه شما که همیشه می‌گفتین ما به داوری خیلی علاقه داریم و این کار رو ترک نمی‌کنیم و با این دستمزد کم ادامه می‌دیم و محتسب یا همون رئیس کمیته داوران هم می‌دونه! (شاهد کنایه از کارت‌های زرد و قرمز و ساغر هم نماد سوت داوره!)
در بیت دوم حافظ به جای ادامه لحن تندش به داورا، یهویی تغییر موضع می‌ده و می‌شه حامی و زبان گویای داورا و کمیته داوران و از طرف اونا از مسائل مطرح شده درباره داورا گلایه می‌کنه و می‌گه لاله‌های یعنی فوتبالیستا با اون قراردادای نجومی عشق و حال می‌کنن و نرگسا یعنی طرف دارا هم از بردای تیمشون سرخوشن، بعد به ماداوارا تهمت رشوه می‌زنن؟! در مصرع دوم هم باز یون تهدید به مسابقات آینده اشاره می‌کنه و می‌گه باین اوضاع، توی بازیای بعدی کی می‌آد داور بشه؟!
بعد از تحریر: اسم حافظ هم در پرونده فساد به عنوان رشوه‌گیرنده اومد!



آمریکا عضویت او کرایین در ناتو رابه پیروزی در جنگ برابر روسیه منوط کرد.

دوره می‌ناتویی‌ها

بایدن: این چیه سخنگوی کاخ سفید گفته که اول روسیه رو ببر، بعد می‌ذاریم عضو ناتو بشی؟ 😊

بایدن: خب راست گفته دیگه. اول ببینیم زور داری، بعد راحت بدیم توی ناتو.

امانوئل مکرون: من اگه زور شکست روسیه رو داشته باشم که حمله می‌کنم اروپا رو هم می‌گیرم مرد حسابی. 😊

امانوئل مکرون: دوستان، من از روز اول گفتم اوکراین مافیاست. بیاین اجماع کنیم، بدیمش بیرون، تایوان رو باید سیو کنیم که دست چین نیفته، اوکراین صد مافیاست.

ناتانیو اوف شولسکی: چی می‌گی دیوونه؟ مگه مافیا بازی می‌کنیم؟ کشور من رودارن نابود می‌کنن. 🤖

ناتانیو اوف شولسکی: آقامن هم بامکرون موافقم، چیه همه ش پول می‌دین به اوکراین؟ بدین به من، هم جنایت می‌بینن، هم اگه پول ندین، من بدبخت می‌شم. 😊

بایدن added پوتین

بایدن: پیرمرد پرحاشیه! چرا پوتین رو اذ کردی؟ 😊

ولف شولسکی: دوستان نگران نباشین. دیدم بحث جنگه، روسیه رو هم به گروه اضافه کردم که با همدیگه حمله کنیم به آلمان نازی.

ولف شولسکی: داداشیا یکی جلوا این رو بگیره، دیوانه الان به ما حمله می‌کنه.

پوتین: خدا و کیلی این روزا کجا آوردین گذاشتین رئیس جمهور آمریکا؟ از جنگ جهانی دوم به روز سانی نشده. 🤖

پوتین: عه! مگه جنگ جهانی دوم تموم شده؟! 🤖 من دستور دادم دوباره بمب اتم بریزن روی سر زاین که!

پوتین: حالا من که هیچی، برای خودتون می‌گم: جلوا این رو بگیرین، این احمق فکر می‌کنه ما با آلمان توی جنگیم، هی برامون مهمات می‌فرسته.

پوتین: پس بگو این سلاحی که هی وعده ش رومی دن، کجا می‌ره. 🤖

صفحه ۲
تیر ۱۴۰۳
شماره ۱۰۹

برق قطع شده، برو آخر تابستون بیا!

شهر مشهد
باغچه: بحران کمبود مدرسه هم حل بشه، تازه می‌رسیم به بحران کمبود معلم!

جمهوری اسلامی: با وعده نمی‌شود بورس را سامان داد
باغچه: ولی می‌شه رنگ بورس رو یک دست ست آلبالویی متالیک کرد!

جهان صنعت: تخفیف ۱۰ میلیارد دلاری در فروش نفت به چین
باغچه: چین: یه کم بیشتر تخفیف بدین، مشتری بشیم. قول می‌دیم براتون مشتری هم بیاریم!

آسیا: وعده افزایش سرعت اینترنت در کشور
باغچه: انتخابات از آنچه در آینه می‌بینید، به شما نزدیک تر است، وعده‌ها را جدی نگیرید!

شهرآرا: اکران‌های شهری با محوریت رعایت مقررات توسط موتورسواران
باغچه: موتورسواران: کدوم قوانین؟! مگه موتورسواری قانون هم داره؟! 🤖

شهرآرا: برق ادارات پرمصرف در مشهد قطع می‌شود
باغچه: تا حالا کارمندا ی ادارات می‌گفتن سیستم قطعه برو فردا بیا، حالا می‌گن برق قطعه برو آخر تابستون بیا!

شهرآرا: افزایش تعداد کاربر و میزان سفر با دوچرخه‌های بایدو
باغچه: مردم دارن خودشون رو برای بعد از افزایش قیمت بنزین آماده می‌کنن!



شهرآرا: خسارت ۲۰۰ میلیارد تومانی تگرگ به خودروها در مشهد
باغچه: اتحادیه صافکاری و نقاشی خودرو: تگرگ موهبتی الهی است، آن را قدر بدانیم!

شهرآرا: بحران کمبود مدرسه در حاشیه

۶ تنه فرش از ۴۸ تنه فرش مفقود کاخ سعدآباد شناسایی شده است

لطفاً از کذب دست بردارید
چندتا فرش را بدهکارید؟
کج نشینید و راست را گویند
آخرش چند تخته کم دارید؟! 🤖



بایدن دوباره خشکش‌زر

عمری همه را تو رنگ کردی
تهدید به زور و جنگ کردی
ای گوشه‌ای عهد بوق! بایدن
دیدم که دوباره هنگ کردی!



جاودانی، مجری سابق برنامه‌های ورزشی: ۶ میلیارد پول جاودگ راه اند

نه چون جادوگران روی زردم
نه مثل کولیان دوره‌گردم
ولی از جیب ورزش پول‌ها را
بدون ورد خواندن، غیب کردم!



حسگرهای جدید از لاس‌سنج در کشور راه اندازی می‌شود

اگرچه نیست این ابزارتان بد
ولیکن نیست در کشور سرآمد
باید کاش دانشمندی از راه
برای ما تورم سنج سازد!



الواورژانس؟ فوت فوت فوووت!

در خبرها داشتیم که فردی در طول شیش ماه ۴۹ هزار بار مزاحم تلفن ۱۱۵ اورژانس شده. به همین بهانه با چند نفر از هم شهریا که هرکدامشون توی مزاحمت تلفنی برای یک تلفن ضروری تخصص دارن، صحبت می کنیم.

دادگاهی برای یک مزاحم در مشهد روزی چهار ساعت کار در مراکز اورژانس تعیین کرده است.

شما مزاحم چه تلفنی می شدین؟

مزاحم ۱: مزاحم چیه؟ من متخصص زنگ زدن به ۱۱۵ برای کوچک ترین مسائل اورژانسی هستم. مثلاً وقتی دارم ناخونام رو کوتاه می کنم و حس می کنم یه تیکه از پوست گوشه انگشتم رو هم گرفتم، چون درمان این مورد از خودم برنمی آد، باید از تکنیسین اورژانس کمک بگیرم. یا مثلاً ته گلو می خار. خب این ممکنه کرونا باشه یا آنفلوآنزا یا حساسیت فصلی یا عوارض خربزه یا ایدز و حتی تب دنگی. برای همین از اورژانس کمک می گیرم. گاهی پیش اومده که نفسم تنگ شده. برای همین زنگ زدم به ۱۱۵ و چندتا پوف عمیق کردم توی گوشی تا اونا ببینن نفسم تنگه یا گشاده.

خبرنگار: این موارد اصلاً ربطی به اورژانس ندارن. دوست عزیز، شما چرا اینجا هستین؟

مزاحم ۲: به دلیل اهمیت دادن به ایمنی خودم و اطرافیانم. چون در برابر هر ناایمنی، فوری با ۱۱۵ آتش نشانی تماس می گرفتم. مثال می زنم براتون که روشن بشین. بیا... الان اگه شما زیادی روشن بشین، من مجبورم زنگ بزنم به ۱۱۵! چندبار پیش اومد که نگران شده بودم وقتی در یخچال رو می بندم، نکنه چراغ داخلش روشن بمونه و اتصال کنه. برای همین می رفتم توی یخچال و گیر می کردم و سرمازده می شدم و مجبور بودم زنگ بزنم به آتش نشانی که بیان درم بیارن. چندبار هم توی آسانسور گیر کردم که کارکنای خدمت آتش نشانی تشریف آوردن و بهم یاد دادن که برای باز شدن در باید اون دکمه رو بزنم، در صورتی که من اون یکی دکمه رو می زدم.

خبرنگار: شما باید با اورژانس اجتماعی تماس بگیرید که از نظر روانی بهتون کمک کنن! در خدمت شهروند دیگه ای هستیم. شما هم توضیح بدین که چرا توی جمع این افراد حضور دارین.



کارتون: مجید صالحی

مزاحم ۳: من در زمینه آب و برق و گاز فعالیت می کنم. چون کار خاصی ندارم، صبح تا شب می رم توی شهر می گردم و خب طبیعتاً هر منطقه شهر هرروز یه چیزی شون قطعه. من هم چون شهروند وظیفه شناسی هستم، بلافاصله با شرکت مربوط تماس می گیرم و اعلام می کنم که مثلاً الان آب فلان کوچه کم فشاره، یا برق فلان محله چشمک می زنه، یا گاز این خیابون فس فس می کنه.

خبرنگار: حالا درسته که زیاده روی می کنین، ولی کار خلافی نیست. پس چرا اینجا هستین؟

مزاحم ۳: راستش برای امر خیر... من از بس با این شرکتها تماس گرفتم، با تلفنچی هاشون آشنا شدم و یه دل نه صد دل... وقتی هم آب و برق و گاز قطع نبود، باز هم زنگ می زدم بهشون که صداشون رو بشنوم. لیاقت یه شهروند وظیفه شناس رو نداشتن و ازم شکایت کردن.

صفحه ۴
۲ تیر ۱۴۰۳
شماره ۱۰۹

سیریش و چسب ده قلو!



فرهنگ شهروندی

فرهاد ناجی

ببینین، شما تبلیغات چاپ می کنین، خب کاغذ و جوهر مصرف می شه و بعد راه می آفتین توی کوی و برزن و همین جوری فله ای می ندازین توی خونه و آپارتمان مردم. بعضیاش رو باد می بره، بعضیاش رو بچه ها موشک درست می کنن و می فرستن هوا، بعضیاش رو به نمکی محل تحویل می دن، بعضیاش هم اون قدر می مونه تا تجزیه بشه و دوباره به آغوش طبیعت برگرده. خب فکر می کنین چند هزارم درصد این آگهی خونده می شه؟ خودتون یه

تبلیغات برای بیشتر کسب و کارا یه امر مهم و حیاتی، ولی این تبلیغات ممکنه گاهی مخرب باشه. نه اینکه خدا نکرده روی تبلیغات دینامیت و مواد محترقه نصب کنن، ولی گاهی ممکنه بایه حرکت کوچیک کاری کنن که از مواد محترقه و دینامیت هم مخرب تر بشه. شاید یه کم گیج شده باشین، ولی نگران نباشین، الان خدمتون عرض یا طول یا ارتفاع می کنم که در جریان کار باشین.

بالا پایینی بکنین، بد نیست. حالا این حالت خوبشه، بعضی شهروندا با زدن سیریش و میریش و چسب دو قلو و سه قلو و ده قلو پشت آگهیها شون و چسبوندنشون به در و دیوار و درخت و تابلو راهنمایی و جاهایی که عقل جن و پری هم بهشون نمی رسه، کاری می کنن که هیچ احدالناسی نتونه کوچیک ترین خدشه ای به اون آگهی شون وارد کنه. یکی نیست به این دوستان و عزیزان بگه که شهروند محترم

معرفی انواع قهرها با زکرمونه



کارتون محمدعلی رحیمی

هفته گذشته وقتی مجری برنامه ورزشی با خداداد عزیزی شوخی کرد و گفت آقای عزیزی همستر بازی می کنه، به غزال تیزیای ایران برخورد و قهر کرد و تا آخر برنامه هم هرچی جواد آقای خیابانی منتش رو کشید، آشتی نکرد و گفت نونمو خوام که نونمو خوام. البته که مجری جوان توی برنامه بعدی از غزال، ببخشین خداداد عذرخواهی کرد و آقای تیزیایا، ببخشین عزیزی هم گفت من اصلا نمی دونستم همستر بازی و تا زامروز فهمیدم. ماهم به همین بهانه تصمیم گرفتیم انواع قهر رو بررسی کنیم.

قهر سیاسی: البته که توی این برهه حساس کنونی نباید خیلی به این جور مسائل حساس پرداخت. اصلا قهر خوب نیست و اتفاقا این روزا روزای آشتی کنونه. هرکسی با هرکسی و هر چیزی و هر صندوقی که قهر کرده، باید آشتی کنه و برن روی ماه هم رو ببوسن و یگن ما نوکر شمااییم و بیاین و از این حرفا.

قهر اقتصادی: این یکی رو تقریبا همه تجربه کردیم؛ به این صورت که مدت زیادیه به طلافروشی، فروشگاه لوازم خونگی، قصابی یا حتی سوپرمارکت سر نزدیم. این یعنی قهر. البته دلیل اصلی این قهرا هم نداشتن تفاهمه، وگرنه هم اونا و هم مای دونیم که مشکلی نداریم. فقط برای هم ساخته نشدیم و به درد هم نمی خوریم!

قهر فرهنگی: وقتی دیگه به سینما سر نمی زنیم، کتاب نمی خریم، کنسرت نمی ریم و حتی روزنامه و مجله هم نمی خونیم، یعنی با این فرهنگی جات قهریم. هرچند ممکنه یه بخشی ش به دلیل قهر اقتصادی و نداشتن تفاهم باشه، ولی یه مقداری ش هم به دلیل اینکه که ما بیشتر اونا رو دوست داریم و نه اونا کاری می کنن که ما به سمتشون بریم، یعنی نبود تفاهم نیست، کلا اختلال ژنتیکی داریم با هم!

قهر ورزشی: نمونه برای این که فت و فراوونه. از قهر یحیی گل محمدی، سرمربی قبلی پرسپولیس، گرفته تا قهر کشتی گیرا از حریف و داوور و ترک کردن تشک کشتی، یه مدل قهر ورزشی دیگه هم داریم که وقتی یه نفر از ورزش قهر می کنه، دچار اضافه وزن و درد و مرضای دیگه می شه که خب مجبوره با دوا و دکتر آشتی کند و حتی باهاشون وصلت کنه!

قهر خانوادگی: و در آخر این قهر که بیشتر بین خواهرها و برادرارخ می ده و ممکنه به کشیدن مو، گازگرفتن و مشت زدن منجر بشه. همچنین قهر بین زن و شوهرها که البته اون رو فقط ابلهان باور کنند!

صفحه ۵
۲ تیر ۱۴۰۳
شماره ۱۰۹



بده و چند نفر رو دعوت کنه، رمزارز خودم رو بهش جایزه می دم که به زودی توی صرافیای بین المللی تعریف می شه. اون موقع می بینی که ملت مثل مور و ملخ می ریزن خودشون واست تبلیغات می کنن؛ اون قدر که خودت نمی فهمی چی شد، چی نشد. بعد از اینکه حسابی بارت رو بستی، می تونی به راحتی چمدونات رو بندیدی و بری خارج. کنار خونه بعضیا خونه بخری و شهروند اونجا بشی.

یا محترمه (بیشترشون محترم هستن) سیریش و چسبای ده قلو برای این کار نیست. اگه می خوای آگهی ت خونده بشه و جملات گهربار از عالم و آدم دریافت نکنی، به فکر یه روش کم هزینه تر و پربازده تر باش. توی این دوره و زمونه، اینترنت و فضای مجازی پس برای چیه؟ الان بهترین و سریع ترین راه تبلیغات همین فضاهاست. کافیه یه بازی درست کنی، بذاری توی شبکه های اجتماعی و بگی هرکی این بازی رو انجام

وزیر نفت:

احتمال اینکه بسته لم بیاوریم، زیاد است. چون

تولید نفت را یک میلیون بشکه افزایش دادیم

یاباید برای هر بسته یک مبلغی روی بلیتیم، یا بلیتیم خریداران بسته خالی بیاورند

وزیر صمت:

چون

مسائل صنعت خودرو یک شبه حل نمی شود
مسئله نه، ولی خدایا ببین همه شان راضی نیستیم

رئیس عضو کمیسیون اصل ۹۰:

میزان افزایش خودروهای داخلی
سه برابر خودروهای خارجی است

وزیر راه:

به صاحب خانه هایان بگویند
متصوبه تعیین سقف اجاره بها هفته آینده ابلاغ می شود
از توجیه ندرند، دنبال یک خانه ارزان تر بگردید

رئیس اتحادیه

تولید کنندگان گل

به علت

کسفیات ستاد مبارزه

باموادخدر

کاهش

اقدار با افزایش

امداد با کاهش

۷۰ درصدی

تقاضای گل

مواجه شدیم

صفحه ۶

WikiLeaks

وبی ویکی

افشای علت تأخیر نیم ساعته در آغاز مناظرات تلویزیونی

- رئیس: بچه ها مناظره داره دیر می شه. شروع کنیم دیگه.
- معاون امور آگهی ها: وسط مناظره، همون طور که کاندیداها دارن حرف می زنن، یکهو چندتا آگهی بریم. چطوره؟
- مسئول اداره کل بازرگانی صداوسیما: نمی شه نامزد به جای لباس رسمی، بالباسایی که مثل فوتبالیستا روش تبلیغ داره برن توی زمین، ببخشین توی مناظره؟



● روابط عمومی صداوسیما:
راست می گه. تازه مردم به هم زنگ می زنن و می گن بزن شبکه یک کاندیداها رو ببین چی پوشیدن. آمار مخاطب می ره بالا.

● یکی از آگهی دهنده های صداوسیما: پس بذارین من وسط مناظره با چندتا نوشیدنی بیام داخل به کاندیداها بگم: لیموشو بدم. هلو شو بدم. ساده شو بدم؟!

پیرگه

آرش آریایی

در حاشیه گرمای هوا راهکارهای کشورهای مختلف با آن



صفحه ۶
۲ تیر ۱۴۰۳
شماره ۱۰۹

ناسوس

فرشته شایان

هرکی به ریزه انسانیت توی شرفش داشته باشه، می فهمه که این زبون بسته ها چقد کیوت و نازن. غذادادن به این پشیمکا وظیفه انسانی ماست. حالا این وسط چارتا بچه رو هم پاره کنن. فدای سرمامان باباشون. مگه این طفل معصوم تا توله سگ ندارن؟ متأسفم برای مغزای پوسیده اُمُلتون که شعور و سواد غذادادن به این حیوونکیا رو ندارین حیوون ستیزیی بدبخت.



پارمیدا
داگ لاور

جسارتا گفتن حیوون، پُشره جان! سگ توروچ آدم حسود. می بینن ما نه مشکل مسکن برامون مهمه، نه دغدغه اشتغال و معیشت داریم و همین که به وعده شکمون سیر باشه زاد و ولد رو استاد می کنیم، این طوری دارن پشت سرمون می زنن.



سگ

۳۷۰ هزار حیوان گزیدگی در سال گذشته (تستیم)
۶۰ هزار حیوان گزیدگی از ابتدای امسال؛ مرگ چهار کودک بر اثر سگ گزیدگی فقط در خردادماه جاری. غذادادن به سگ های ولگرد، دلیل انفجار جمعیت این گونه (خراسان)

کم لطفی نفرمایین! به عنوان سلطان گزش این روزا عرض می کنم که این آمار هم عین بقیه آمارشون الکیه! این رقم حتی خدمات یک شب تا صبح من و همکارام رو هم پوشش نمی ده. متأسفانه توی صنف ما هم دست زیاد شده. به عده سگ نمادارن بازار رو خراب می کنن. از همین تربیون توصیه می کنم شل و سفت به هر حال ما می زنیم. پس شل کنین دوستان. ممنون از اعتمادتون.



پشه



صفحه ۷
۲ تیر ۱۴۰۳
شماره ۱۰۹

کاسه‌ای زیر نیم کاسه است!

کاسه بشقاب‌ها یک نقش و نگار و رنگ و لعابی داشتیم. تئوهای زیبایی روی بدنمان کار می‌کردیم که بعداً سانسور شد و تبدیل شد به آب‌زور!

قدیم، جنس‌مان جور بود؛ یکی گلی، یکی فلزی، یکی ملامین، ولی حالا همه از یک جنس‌اند و اکثراً جنس‌های خراب! ظاهرها باظرفیت‌اند، ولی بیشترشان بی‌ظرفیت‌اند! اگر غذای داغ در آن‌ها بریزی، ترک می‌خورند یا می‌شکنند!

قدیم، ما را با خاک‌ستر می‌شستند و چشمانمان را هم نمی‌سوزاند! ولی حالا آن قدر مایع ظرف‌شویی می‌زنند که پوستمان خراب شده است! لامصب حتماً باید صدای قیژ تمیزی تبلیغات تلویزیون را بدهد! ولی خوبی کار ما این است که با هوش مصنوعی از بین نمی‌رود! چون ما با مغز و قلب کاری نداریم. طرف حساب ما شکم است که استایل کلاسیکش را حفظ کرده و از ازل تا ابد اهل خوردن و کارکردن بوده است!

قدیم یک سفره‌ای پهن می‌شد و ما کاسه بشقاب‌ها مرتب و منظم توی سفره می‌نشستیم و هرکسی به اندازه نیازش و در حد قد و وزنش از غذاهایی که توی ما بود، می‌خورد و حتی یک عده سر سفره نمی‌نشستند تا به بقیه برسد. نوع غذا هم برایشان مهم نبود؛ حالا املت بود یا آب‌دوغ خیار یا گاهی کباب کوبیده، می‌خوردند و خدا را شکر می‌کردند. ولی خب حالا زمانه فرق کرده است. طرف سیر است، ولی فقط سر سفره‌ای می‌آید که جوجه و چنجه و قیمه و قورمه هم زمان باشد! می‌خورد و حتی می‌برد و کنار خودرو و سکه و دلار، فریز می‌کند! چون معلوم نیست فردا چنین سفره‌ای پهن باشد!

در قدیم سفره‌هایی پهن می‌شد که سر تانهِش معلوم نبود، ولی حالا سفره‌ها آن قدر کوچک شده‌اند که اصلاً ارزش ندارند پهن بشوند. روی اوپنی، توی ماشینی، چیزی غذا می‌خورند تا سرویس مشتری بعدی اسنپ را از دست ندهند! این وضعیت زندگی مردم، ما را مشکوک می‌کند که نکند کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه باشد!

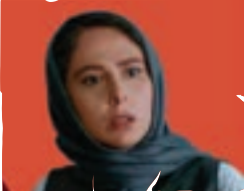


البته بهتر است کاسه‌داغ‌تر از آش نشویم! قدیم کاسه‌ها در خانه‌ها می‌چرخید، به بهانه نذری یا گرفتن رب و روغن و این‌ها از در و همسایه، ولی حالا ست چهارصد پارچه کاسه بشقاب در کابینت‌ها خاک می‌خورد! قدیم هر کدام از ما

یکی از نامزدها:
اگر رأی نیاورم، ناراحت نمی‌شوم؛ شاید برای مردم غصه بخورم
(خبرگزاری دانشجو)



سمیرا (زن مالک در زخم کاری):
اگر شوهرم برایم گل نخرد، ناراحت نمی‌شوم؛ شاید برای اینکه بفهمد بعداً باید طلا بخرد، یک فصل کتک بزنمش!



بچه مهمونی:
اگر نذارید، فحش بدم، ناراحت نمی‌شم؛ چون از مادر زاده نشده نداره من فحش بدم!



خداداد افشاریان:
اگر از اتهام فساد تبرئه نشوم، ناراحت نمی‌شوم؛ فقط دلم برای فدراسیون می‌سوزد که عمراً بهتر از من گیرشان بیاید!



همستر:
اگر مرا قلقلک ندهند، ناراحت نمی‌شوم؛ شاید برای کسانی که می‌توانستند پول‌دار شوند اما نشدند، غصه بخورم.



حبیب لیسانسه‌ها:
اگر زن نگیرم، ناراحت نمی‌شوم؛ الان گی ضرر می‌کنه؟ چرا من برانشون غصه بخورم؟



به مناسبت هفته قوه قضائیه

من اگر قاضی شوم...

من اگر قاضی شوم، این می‌کنم، آن می‌کنم
کی؟ کجا ساکت نشینم؟ خیر! طوفان می‌کنم
من اگر قاضی شوم، بیکار نشینم دمی
کارهایم را همین جا بنده اعلان می‌کنم
جای میز می‌زنم چکش به فرق قلدان
کله هاشان را چو سینی پخش و داغان می‌کنم
مفسد فی الارض را در لرزاندام سریع
بعد از این او را به هر جاکک به تنبان می‌کنم
بعد از اینش هیچ دارویی نمی‌آید به‌کار
من خودم وقتی بیایم، پشم ریزان می‌کنم
پول شویان را مدیر دست شویی های شهر
سارقان را هم زکار خود پشیمان می‌کنم
منقل یک عده ای را گاه روشن می‌کنم
رویش اما شیشلیک و جوجه بریان می‌کنم
دادگاه بنده هم رسمی ست، اما گاه‌گاه
با لطفیه مردمان را شاد و خندان می‌کنم
جایگاهم را هم از بالا به پایین می‌برم
خویش را با خوانده و خواهان یکسان می‌کنم
من لسان العیبم اما اگر شوم قاضی دگر
عیب ها را در همان پرونده پنهان می‌کنم
اختلاس اما اگر بینم، عیانش می‌کنم
مختلس را تیر شهر را و کیهان می‌کنم
پاچه خواری هم نباشد نزد بنده سودمند
در دو گوشم چوب پنبه، زورچیان می‌کنم
«هرکه خواهد گو بیا و هرچه خواهد گو بگو»
من نمی‌گیرم سفارش از کس، این سان می‌کنم
قاضی سکه پرست از حال کس آگاه نیست
گر کسی رشوه دهد، لعنت به شیطان می‌کنم
دوستان، اینک کلاه خویش را قاضی کنید
بهتر از من هست قاضی؟ یا که چاخان می‌کنم؟

الهی!
از تو ممنونیم که در هیچ وضعیتی صدای ما را قطع نمی‌کنی
و در هر لحظه گوش شنوای ما هستی.

پنجمه

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهرآرا
ساحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سیدمیشم موسوی مهر
سر دبیر: سیدسجاد طلوع هاشمی
دبیر ضمیمه: ارزنگ حاتم
دبیر پهنمون: مجتبی نذعی راد
پیماسک: ۳۰۰۷۲۸۹

دریافت نسخه الکترونیک از: shahraraneews.ir

نظرسنجی های آب دوغ خیاری

هرچی به زمان انتخابات نزدیک تر می‌شیم، انواع و اقسام نظرسنجی، اون هم
لحظه به لحظه و بعد از هر مناظره منتشر می‌شه. تفاوت نتایج هم که زمین
تا آسمونه. جالب تر اینکه با خود نتایج انتخابات هم متفاوت و خیلش فقط
نظرسازی تاروی رأی مردم اثر بذارن، رفتیم علت ها و عمق استراتژیک رود راوردیم
و فهمیدیم نظرسنجی درست باید این جوری باشه که:



جامعه آماری باید درست انتخاب بشه



سؤالات مغرضانه نباشه

اطلاعات پرسش شوندگان باید محرمانه باقی بمونه

انتخاب شایسته جناب عالی...

آره ارواح عمه ت! توی نظرسنجی که گفتی به رقیبم رأی می‌دی ناقل! این هم حکم اخراج که حساب کار دستت بیاد.

به همین آخری دیگه!



برای پاچه خواری مدیری بالادستی، نتایج دستکاری نشه

اتاق مدیریت

این نتایج نظرسنجی امروز رو بیارین ببینیم دوستان ما چقدر جلو افتادن!

عواملی مثل ترس و خجالت مانع پاسخ صریح نشه



اه! چه ستادی بود! یا این غذاشون! آه! رأی بیارن هم حتما می‌خوان خسیس بازی در بیان. از لجشون به آقای شماره دورای می‌دم!

چیزه... می‌شه به راهنمایی بکنین؟ آهان یادم اومد! هرچی خانومم بگه.